

گریه شیر آب

می‌روم کنار شیر آب
می‌دهم به دست او شبیه یک رفیق
دست دوستانه را
با پدر می‌کنم درست
سقف شیر آب خانه را

۴

ناتوان و خسته است
سربه زیر دارد او

۱

قطره قطره می‌چکد
غصه از میان چشم او

۲

سقف خانه‌اش خراب گشته است
رو به سوی حوض آب
گریه می‌کند یواش
شیر آب این حیاط ما

۳

شهرام رفیعی
صابره آذربیزین

